

قتل عام با شیر



نیوشا طبیبی گیلانی

روزنامه نگار

نوشیدن شیر که امروز خیلی طبیعی و عادی جلوه می کند بنابر شواهد زیست شناسی و آنچه در طبیعت می گذرد، عملی غیرطبیعی است. البته که آدمی هزاران عمل غیرطبیعی انجام می دهد، اصلاً بسیاری از چیزهایی که در نظر ما بدیهی و عادی جلوه می کنند، در ظاهر و باطن هر دو غیرطبیعی به حساب می آیند. مثلاً ذرت به آن شکلی که امروز می بینیم یا حتی گندم و برنج به این شکل و شمایل امروزی شان هرگز در طبیعت وجود نداشته اند و آدمی با عملیاتی آنها را با این ظاهر پرورش داده است. اما نوشیدن شیر حیوانات، دیگر با بدن بسیاری از آدم ها ناسازگار است. مردم ساکن غرب آسیا و شمال اروپا به دلیل مداومت در تغذیه با لبنیات و شیر، انطباق لازم را پیدا کرده اند اما هنوز هم جمعیت زیادی از مردم کره زمین پس از رسیدن به سنین رشد، دیگر قادر به هضم لاکتوز نیستند و درواقع ترشح آنزیم لاکتاز که هاضم لاکتوز است در بدن آنها قطع می شود، پس توانایی نوشیدن شیر را ندارند.

به هر حال صنعت شیر و لبنیات در غرب و از اوایل قرن بیستم، رشد غول آسایی پیدا کرد و سودآوری این صنعت و حجم تجارتی آن به رقمی بسیار قابل توجه رسید. در کنار این رشد، سرمایه داری به دنبال گسترش بازار خود، تبلیغ و تمرکز فراوانی روی اهمیت نوشیدن شیر برای آدمی، هنوز هم بر سر مفید و لازم بودن شیر برای آدمی، بحث و جدل زیادی در جریان است. عده ای از متخصصان بر این باور هستند که نوشیدن شیر نه تنها فایده ای ندارد بلکه ابتلا به امراضی را هم سبب می شود. عده ای دیگر به ویژه صنایع شیر در آمریکا (انجمن ملی لبنیات و تشکل های دیگر صنفی تولیدکنندگان) بر این باور پای می فشارند که نوشیدن شیر سبب طول عمر و تامین املاح و ویتامین های لازم برای بدن است. تبلیغات حول شیرنوشی در آمریکای ۱۹۵۰ بالا گرفت و این باور القاء شد که «هر کس شیر ننوشد بالاترین درد را روند رشد، کمال و بهره وری هوشی اش خلیلی خواهد افتاد».

این گسترش بازار به قیمت ترساندن و تهدید مردم به اینکه اگر شیر ننوشید خنک و گول و ناقص می شوید، منجر به خسارات عظیمی به حیات زمین شد و می شود. دامپروری از مزرعه های کوچک چندرأسی، به مجتمع های عظیم کشت، زرع و تولید لبنی با ده ها هزار گاو تبدیل شد. گاوها روزانه ده ها لیتر آب می خورند، ده ها کیلو گاز متان آزاد می کنند و ده ها کیلو علف و خوراک های مخصوص می خورند. آدمی برای افزایش بهره وری دست در کار طبیعت برده و از امتزاج نژادهای گوناگون گاو، نژادهای جدیدی پدید آورده که کمتر می خورند و بیشتر شیر می دهند. بسیاری از نژادهای بومی و قدیمی گاو در آمریکا و اروپا از بین رفته و دیگر فقط می توان تصویر آنها را در عکس ها و نقاشی های قدیمی دید.

اما در کنار همه این فجایع محیط زیستی و بازی با سلامتی مردم، چندین بار اتفاقاتی شبیه به قتل عام بر سر تجارت شیر افتاده است. در بازه زمانی طولانی مدتی در آمریکا، گاوها از پسماند و تفاله کارخانه های آبیجو تغذیه می شدند، به آنها آب نمی دادند و اعتقاد بر این بود که آب لازم را از همان پسماند خیس و آبدار می گیرند. محصول این گاوها چیزی بود که مخالفان، آن را «شیر پسماند» نام گذاری کرده بودند. مایعی رقیق و آبی رنگ که برای بازگرداندن غلظت اش به آن گچ اضافه می شد. این شیر سبب بیماری و حتی مرگ هزاران نوزاد و کودک شد.

در میانه قرن بیستم، شرکت نستله شیرخشک را به هند، بنگلادش و پاکستان که در آن زمان بسیار محروم بودند، برد و کارکنان فروش این شرکت، در لباس پرستاران، قوطی های محصول شان را به مادران فقیر تازه وضع حمل کرده می دادند. مادر از آن شیریری بسیار رقیق درست می کرد و به نوزاد می داد و پس از اتمام قوطی، توانایی خرید نداشت و شیر خودش هم خشکیده شده بود. در این اثنا میلیون ها نوزاد در زمان کوتاهی مُردند. درواقع این شرکت و همراهان دیگرش، در مرگ میلیون ها نوزاد در اثر سوءتغذیه در مقطع زمانی بسیار کوتاهی، مسئولیت مستقیم داشتند.

۱۶

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کریا سچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زید آبادی
• سردبیر: محمد جواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۵۵



عکس: ایران

فصل داغ رو یا فروشی

بررسی ضوابط و قوانین مالی و فساد اخلاقی در مدارس و آکادمی های فوتبال که بازارشان در تابستان گرم می شود



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم میهن

بعد از ۹ ماه تحصیل دانش آموزان، یکی از تفریحات اصلی کودکان و نوجوانان، حضور فعال در مدارس فوتبال است. به خصوص برای پسر ها که یکی از سرگرمی شان شرکت در کلاس های آموزشی به خصوص فوتبال است. اوایل دهه ۸۰ اگر در هر شهر فقط پنج الی شش مدرسه فوتبال شاخص وجود داشت اما حالا این مدارس فوتبال به شکل فارچی در حال افزایش است و تشخیص اینکه بنر های خوش رنگ و لعاب این مدارس، حقیقی یا ساختگی و بدون مجوز است، در عمل کار را برای خانواده ها سخت می کند. در کنار حساسیت زیادی که روی آموزش بچه ها در مدارس فوتبال وجود دارد طی دوده ها اخیر اتفاقات ناگواری از جمله مسائل غیر اخلاقی و مالی رخ داده که در این گزارش قصد داریم در گفت و گو با حسن روشن پیش از پیش به آنها بپردازیم.

▼ فساد فقط «مالی» نیست

یکی از نگرانی های خانواده ها در مدارس فوتبال، بی اخلاقی مربیانی است که بدون نظارت مسئولان و نهادهای ذی ربط وارد مدارس فوتبال شده و به عنوان مربی، وظیفه تدریس و آموزش این رشته ورزشی را به بچه ها عهده دار می شوند. طی یک دهه اخیر بارها حسن روشن به شکلی واضح و علنی نسبت به فساد در آکادمی فوتبال صحبت کرده است. در این باره سعی کردیم با حسن روشن گفت وگویی داشته باشیم که به دلیل کسالت حال شان، این گفت وگو کوتاه اما مفید بود. حسن روشن در این گفت وگو در خصوص برخی مسائل اخلاقی در آکادمی ها و مدارس فوتبال در ایران اظهار داشت: «من بارها در خصوص نظارت نهادهای مختلف در آکادمی ها صحبت کردم. صرفاً نباید نسبت به دانش فنی یک مربی نظر داد و او را بررسی کرد، بلکه اگر ما بچه های مان را در اختیار مربیانی قرار می دهیم که فوتبال یاد بگیرند، باید به لحاظ سلامت روان نیز این مربیان آمازش شده باشند و تست های مختلف را پشت سر گذاشته باشند و به صورت شفاف این تست ها در معرض عموم مردم قرار داشته باشد. من بارها در مورد برخی فساد ها در آکادمی ها صحبت کردم. برخی تصور می کنند فساد فقط به مسائل مالی گفته می شود اما در آکادمی ها یا حتی مدارس فوتبال اگر نظارت نهادهای مختلف وجود نداشته باشد، فسادهای غیر اخلاقی بدی رخ می دهد که جبران ناپذیر است. به خیلی از عزیزان نقد های من، بر خورد و به جای ریشه یابی این مسائل، از من شکایت کردند».

▼ سرشیر عمل برای فیکس شدن

سال گذشته در رده های پایه یکی از تیم های صنعتی، مطلبی افشا شد که خانواده سه بازیکن در رده نوجوانان برای تمام فصل، صبحانه کل آکادمی این باشگاه متمول صنعتی را تقبل کرده است. این موضوع چنان راگیر شده بود که حتی مدیر عامل وقت باشگاه هیچ ترس یا نگرانی ای از افشای بیشتر یا پرداختن به این موضوع نداشت. مسئولان آکادمی این باشگاه تعاملاتی خارج از فوتبال با والدین بازیکنان تیم های پایه برقرار کرده اند. تا جایی که به ما مجاری سرشیر و غسل معروف شده و آنها هر روز صبحانه خود را با سرشیر و غسل هایی که از این والدین به آنها می رسد، میل می کنند و به فرزندان این افراد در این باشگاه ویژه تر نگاه می شود. یکی از مسائلی که باید بررسی شود این است که در آکادمی ها هم تست گیری انجام می شود اما این تست گیری برای ورود فرزندان و بچه ها به تیم ها، به صورت رایگان انجام می شود و اگر مربی یا مدیر آکادمی در خواست پول بابت شرکت یک بچه به تست گیری ها مطرح کرد، قطعاً تخلف انجام داده که نیازمند گزارش به مراکز و نهادهای مرتبط است.

موضوعی که پیش تر نیز عنوان شد این است که در تیم های آکادمی نه تنها نباید پولی از بازیکن گرفته شود بلکه باید یک قراردادی با بازیکن بسته شود که این موضوع بعد از مدت ها در بسیاری از باشگاه ها در حال رعایت شدن است. موضوعی که خانواده ها باید به آن توجه کنند این است که مدارس فوتبال به صورت ثابت و مکتوب شهریه ای را طبق عرف هیئت فوتبال هر استان طلب می کنند. مدارس فوتبال در استان تهران معمولاً بابت شهریه ی یک فصل مبلغ شش الی هشت میلیون تومان دریافت می کنند که این مبلغ شامل آموزش فوتبال از سوی مربیان با مدارک معتبر، تغذیه صبحانه و بعضاً سرویس رفت و برگشت خواهد بود. موضوعی که باید به آن توجه کرد این است که برای پرداخت شهریه ها در مدارس فوتبال باید قیمت بر اساس یک اصول مشخص از سوی هیئت فوتبال هر شهر بررسی شود تا از نسوی برخی افراد سودجو، کلاهبرداری رخ ندهد. سیواش اکبرپور که سابقه مربیگری در آکادمی جوانان استقلال را در کارنامه خود دارد، چندی پیش در گفت وگویی با تابناک اعلام کرده بود، برخی بازیکنان، پولی وارد لیست تیم اش شده بودند که او اصلاً حتی یک بار هم این بازیکنان را از نزدیک ندیده بود: «من سرمربی تیم جوانان استقلال بودم و بازیکنانی در لیست تیم من وجود دارند که من تا امروز آنها را ندیده ام. این موضوع را حتی به مدیران وقت باشگاه استقلال اطلاع دادم اما متأسفانه پیگیری نشد.»

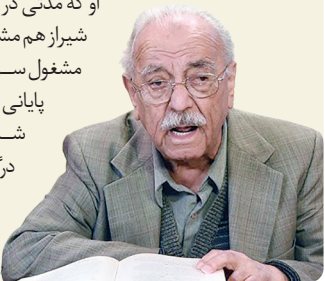
▼ تفاوت مدرسه فوتبال با آکادمی

بسیاری از خانواده ها به دلیل اینکه تفاوت «مدرسه فوتبال» با «آکادمی» های فوتبال را نمی دانند، مسیر اشتباهی را طی می کنند و بعد از سرخورده شدن در این مسیر، تصور می کنند که هزینه ای گراف از آنها گرفته شده است. برای جلوگیری از یک سوء تفاهم رایج در این زمینه، بد نیست تفاوت این دو را باهم مرور کنیم. اگر خانواده ای قصد دارد فرزندش را برای «آموزش فوتبال» در یک موقعیت مکانی مشخص ثبت نام کند، مدرسه فوتبال رسمی که دارای مجوز حرفه ای از هیئت فوتبال هر شهر است، بهترین گزینه می باشد. تفاوت اینجا است که مدرسه فوتبال همانطور که از نام اش پیداست، برای آموزش رشته فوتبال تاسیس و راه اندازی شده تا توسط مربیان با کارنامه، به بچه ها در رده های مختلف سنی آموزش دهند. در مدرسه فوتبال از همان جلسه نخست، به بچه ها نحوه پاسکاری، یارگیری صحیح، شوت زدن و تکنیک و تاکتیک های مختلف فوتبال آموزش داده می شود. بسیاری از مدارس فوتبال می توانند زیر نظر باشگاه های حرفه ای فوتبال فعالیت کنند و نظارت ویژه ای روی آنها باشد، اما عملکرد و فعالیت آنها صرفاً آموزش است، نه چیزی فراتر از آن. «آکادمی فوتبال» اما تفاوت ویژه ای در قیاس با مدرسه فوتبال دارد. در آکادمی، دیگر قرار نیست نحوه پاس دادن صحیح به بازیکن آموزش داده شود یا در خصوص مسائل ابتدایی فوتبال که جنبه آموزشی دارد، صحبت شود. در آکادمی، مسابقات زیر گروه استانی یا حتی کشوری برگزار می شود و تیم ها به صورت حرفه ای در رده های مختلف سنی وارد کورن مسابقات می شوند. این تیم های آکادمی به صورت مستقیم زیر نظر تیم بزرگسالان است و در صورتی که مربی تیم بزرگسالان صلاح ببیند، می تواند بازیکنان آکادمی را به رده بزرگسالان دعوت و با آنها قرارداد های حرفه ای ثبت شده در سازمان لیگ ثبت کند. در مدرسه فوتبال اما الزاماً چنین نیست و یک دانش آموز می تواند بعد از دو ترم حضور در یک مدرسه فوتبال، از این مدرسه برود و دیگر فوتبال را ادامه ندهد. در آکادمی ها اما با بازیکنان قرارداد بسته می شود و آنها نمی توانند هر زمان که خواستند به تیم دیگری بروند. گفتنی است، یکی از راهکار هایی که نهادهای نظارتی می توانند برای جلوگیری از فساد اخلاقی و مالی بر برخی افراد در رده های پایه در نظر بگیرند، این است که تمام افراد آکادمی بانوجه به حساسیت موضوع به دلیل کار کردن با بچه های رده هشت تا ۱۸ سال، علاوه بر تست های روانشناختی، مدارک لازم جهت استخدام در تیم های پایه را نیز در سامانه ای مربوط به تیم های پایه هیئت فوتبال هر استان ثبت کنند.

چهره

شاعر عاشقانه های شیراز

در میانه دهه ۳۰ زمانی که برنامه موسیقیایی «گلها» در رادیو به راه افتاد، بخشی از اشعار خوانندگان سنتی با نام فریدون توللی معرفی می شد. توللی، شاعری بود زاده شیراز که قبل از روی آوردن به شعر، متخصص باستان شناسی شده بود و سال ها رئیس مرکز باستان شناسی شیراز هم بود. او از دهه ۲۰ و مصاف با دوران دانشجویی شعر می گفت، اما پس از ۱۳۲۲، دیگر کار سیاسی نکرد و تمام همت اش را برای سرودن شعر و ادبیات گذاشت. توللی مسیر پر فراز و نشیبی را در شعر طی کرد. از قصیده کلاسیک گرفته تا مخالفت با ساختار نیمایی شعر نو و بعدتر، عاشقانه هایی که در اشعار خوانندگان از آن استفاده می شد، همه ساختارهای شعری توللی را تشکیل می داد. او که مدتی در کتابخانه دانشگاه پهلوی شیراز هم مشغول بود، تا انتهای دهه ۵۰ مشغول سرودن شعر بود. در سال های پایانی عمر توللی گرفتار بیماری شد و در ۹ خردادماه ۱۳۶۴ درگذشت. او را در کنار مراد همیشگی اش در حافظیه به خاک سپردند.



کتابخانه

وقتی مرگ پشت در است

آرتور شنیتسلر، نویسنده و نماینده نویسنده آلمانی در آغاز قرن بیستم بود. او تحصیلات خود را در رشته پزشکی به پایان رساند، اما پس از مدتی به نویسندگی و روانشناسی روی آورد. او بیشتر شخصیت های داستانی خود را از منظر روانشناختی مورد بررسی قرار می داد. سال ۱۹۱۲ شنیتسلر، نماینده های نوشت به نام «پروفسور برنهاید» درباره پزشکی که در یک کلینیک با مشکلی عجیب روبه رو می شود. زنی بر اثر سقط جنین در حالت احتضار است و دکتر قصد ندارد رنج مضاعفی به او تحمیل کند. به همین دلیل از اینکه کشیش بالای سر این زن برود و مناسک پیش از مرگ مسیحی را اجرا کند، جلوگیری می کند. اما مرگ زن و یهودی بودن دکتر برنهاید، همه چیز را به سمت آشوب می برد. سال ۲۰۱۹ رابرت ایک، نماینده نویسنده انگلیسی، بر اساس متن آرتور شنیتسلر، اقتباسی به نام «دکتر» را در لندن به صحنه می برد؛ نمایشی که بسیار مورد توجه قرار می گیرد. کتاب «دکتر» از مجموعه جهان نمایش، ترجمه این نماینده است.



دکتر

نام نویسنده: رابرت ایک

مترجم: آناهیتا قاطاهر

نشر: نی

تاریخ

تاسیس امپراتوری اتریش مجارستان



اتریش - مجارستان پادشاهی دوگانه ای بود که از ۲۹ مه سال ۱۸۶۷ و با اتحاد امپراتوری اتریش و پادشاهی مجارستان ایجاد شد. قدرت اتریش در سال های ۱۸۵۰ پس از شرکت در جنگ کریمه، شکست

در جنگ دوم استقلال ایتالیا و از دست دادن متحدانش به تدریج رو به زوال گذاشت و سرانجام در ۱۸۶۶ به واسطه جنگ اتریش و پروس کاملاً ضعیف شد. فرانسه یوزف در شرایطی که اتریش دیگر نه تنها قدرت نظامی شماره یک محسوب نمی شد بلکه حتی در آستانه فروپاشی قرار گرفته بود، وارد مذاکره با مجارستان شد. مجارستان نیز که پس از نبرد موهاچ در ۱۵۲۶ بخشی از امپراتوری بود، با مصالحه جدید از سرزمینی شبه مستعمره ای، تبدیل به کشوری تقریباً مستقل می شد. بدین ترتیب به موجب سازش ۱۸۶۷، امپراتوری اتریش به اتریش (سرزمین هایی که در پارلمان امپراتوری نماینده داشتند) و مجارستان تقسیم شد. هر دو کشور یک نخست وزیر و یک پارلمان داشتند، ولی از هر پارلمان ۶۰ نماینده به دعوت امپراتور - پادشاه، در بوداپست یا وین گرد می آمدند و مستقل از یکدیگر مسائل مشترک اتریش - مجارستان را بررسی می کردند.